

به وسیله مدیریت منطقه‌ای دولت و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق «بسته‌های امکان» و امکانات تولیدی منطقه‌ای خواهد بود. البته در صورت عدم تکمیل امکانات و فرصت‌های منطقه‌ای، دولت موظف خواهد بود با ایجاد هماهنگی و توازن بین مناطق به صورت عرضی یا طولی، زمینه‌های رفع نیاز را فراهم کند.

## نظام تولید

اساس نظام تولید بر کیفیت ترکیب و تعامل عوامل تولید است و از آنجا که اصل «احیا» و نوآوری و حیات بخشی در اندیشه اسلامی حاکم بر این نظام است، ماهیت رفتارهای تولیدی بسیار پویا و فعال است و بالطبع در این زمینه فعلیت بخشیدن به استعدادها و امکانات بالقوه و بالفعل پاسخ‌گوی همه نیازهایی خواهد بود که به صورت معقول و مشروع در هر سطحی از سطوح تعریف شده است. ولی آنچه در مسیر تحقق و ایجاد توازن منطقه‌ای - ملی مهم است، رعایت عدالت تولیدی در همه مراحل زنجیره تولید است و هر قدر در این امر دقت بیشتری شود، ضمانت ایجاد عدالت و رفع فقر بیشتر خواهد بود؛ بنابراین از مقدمات ضروری تحقق عدالت تولیدی، دقت بر کیفیت ترکیب و تعامل عوامل تولید است؛ مانند نیروی کار، سرمایه، مدیریت، دانش، زمین، منابع طبیعی و اقلیمی، دقت بر مکانیسم روش‌های احیا، مدیریت توازن در مسیر و زنجیره تولید (قبل، حین و پس از تولید)، هدایت امکانات به سوی رفع نیازهای اولویت‌دار منطقه‌ای و اولویت نیروی تولید بر اساس امکانات و نیازهای منطقی تعریف شده.

گفتنی است که اصولاً برای رشد «متوازن» در یک سیستم توجه به دو عنصر «پایداری» و «پویایی» به‌طور همزمان و توأم، ضروری است و در یک نظام عادلانه، همواره پایداری سیستم ناشی از حق‌مداری و به وجود آمدن تنظیماتی است که بتواند متکفل حراست و تضمین این موضوع باشد و پویایی یک سیستم همواره ناشی از توجه به شرایط و تغییرپذیری و تکثیر آن در نظام ظهور و جلوه عینی رفتار سیستم است.

در ادامه به تفصیل دو مؤلفه «حق‌مداری» و «نسبیت شرایط» می‌پردازیم.

**الف) حق‌مداری:** پایه‌ها و اصول رشد فقط هنگامی متوازن خواهند بود که بر اساس نظامات حقوقی و تکلیفی سامان یافته باشند و کل تنظیمات نظام اجتماعی به‌منظور تحقق حقوق متقابل ارکان اجتماع تعریف شده باشد. همان‌گونه که یادآوری شد، تمام ارکان نظام اجتماعی نسبت به یکدیگر از حقوق و تکالیف متقابلی برخوردارند و وزن حقوق و تکالیف هر رکن نسبت به دیگری همسان و متوازن است؛ چراکه در این زمینه استدلال شد که «حق» و «تکلیف» دو روی یک سکه‌اند.

در اینجا بنا به ضرورت فقط به یک رابطه «حقوقی» و «تکلیفی» اشاره می‌شود و آن هم «رابطه» دو رکن و نهاد اجتماعی، یعنی «دولت» و «خانواده» است. منظور این است که تنظیم رابطه حقوقی میان «رکن دولت» در نظام اجتماعی، که حقوق و وظایف حاکمیتی و ولایتی رادنبال می‌کند، و «رکن خانواده» در نظام اجتماعی، که حقوق و وظایف معیشتی و تربیتی رادنبال می‌کند، اولین قدم در مسیر تحقق «رشد متوازن» است و رشد متوازن فقط هنگامی اتفاق می‌افتد که نظامنامه «حقوقی - تکلیفی» میان این دو رکن به نحو مناسبی تعریف شود و شرایط لازم برای تحقق آن‌ها مهیا باشد.

**ب) نسبیت شرایط:** درک موقعیت هر رفتار در یک سیستم ناشی از شناخت مقطعی از آن رفتار نسبت به موقعیت برتر یا موقعیت پست‌تر است؛ به عبارت دیگر، «نسبیت» هر رفتار در یک سیستم به شرایطی وابسته است که آن رفتار در آن شرایط ظروف تحقق محل ظهور یافته و تجلی عینی می‌یابد.